

حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی

سرشناسه: صالحی امیری، رضا، ۱۳۴۰ -

عنوان و نام پدیدآور: حاشیه‌نشینی و اسکان غیر رسمی: چالش‌ها و پیامدها/

سیدرضا صالحی امیری، زهرا خدائی.

مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۴۵۵ ص.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۱۱-۸۴۸۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: حاشیه‌نشینی

موضوع: حومه‌ها و حومه‌نشینی

موضوع: حاشیه‌نشینی - ایران - تهران

موضوع: تهران - حومه‌ها و حومه‌نشینی

موضوع: تهران - حاشیه‌نشینی

شناسه افزوده: خدائی، زهرا، ۱۳۶۱ -

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۰ ج ۲/ص ۳۵۱/HT

رده‌بندی دیویی: ۳۰۷/۷۴

شماره کتابشناسی ملی: ۲۳۹۲۷۹۵

حاشیہ نشینی و اسکان غیر رسمی

چالش‌ها و پیامدها

سید رضا صالحی امیری

زہرا خدائی





انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۰۷، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

* * *

سید رضا صالحی امیری، زهرا خدائی

حاشیه نشینی و اسکان غیررسمی

چالش‌ها و پیامدها

چاپ اول

۱۱۰۰ نسخه

۱۳۹۰

چاپ شمشاد

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۸ - ۸۴۸ - ۳۱۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸

ISBN: 978 - 964 - 311 - 848 - 8

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

فهرست

۱۳	۱. کلیات
۱۳	مقدمه
۱۶	بیان موضوع
۲۰	پژوهش‌های پیشین
۳۳	تعاریف
۳۳	حاشیه‌نشینی
۴۸	اسکان غیررسمی
۵۷	سکونتگاه‌های بی‌ضابطه و غیرقانونی
۶۱	زاغه‌نشینی
۷۱	سکونتگاه‌های خودرو
۷۴	تیپ‌شناسی سکونتگاه‌های حاشیه‌ای
۷۴	انواع سکونتگاه‌های حاشیه‌ای بر اساس نوع مسکن
۷۶	استقرار و نحوه قرارگیری مساکن غیررسمی

اشکال مختلف تصرف و مالکیت زمین در سکونتگاه‌های غیررسمی.....	۷۷
الگوهای معماری و ساخت مسکن غیررسمی.....	۷۸
۲. دیدگاه‌ها و نظریات کلان پیرامون حاشیه‌نشینی.....	۸۱
مقدمه.....	۸۱
نظریه‌ها و دیدگاه‌های شکل‌گیری اسکان غیررسمی و سکونتگاه‌های حاشیه‌ای.....	۸۲
دیدگاه‌های مسئله‌گرا.....	۸۳
دیدگاه اکولوژی (بوم‌شناختی).....	۸۳
دیدگاه مبتنی بر قدرت، سازمان و مدیریت اجتماعی.....	۸۷
دیدگاه نابرابری.....	۸۹
دور تسلسل فقر و حاشیه‌نشینی.....	۹۰
نظریات مهاجرت.....	۹۲
نظریه مهاجرتی مایکل تودارو (۱۹۷۵).....	۹۳
دیدگاه کارکردگرایان در خصوص علت حاشیه‌نشینی.....	۹۴
نظریه جاذب و دافعه راونشتاین.....	۹۴
نظریه عوامل میانی اورت اس. لی.....	۹۷
تئوری میشل.....	۱۰۲
نظریات زیموپ و استافر.....	۱۰۳
نظریهٔ لاوری و راجز.....	۱۰۴
نظریات اسکوتز و شاستاد.....	۱۰۴
نظریهٔ الگوی اقتصاد دو بخشی توسعه.....	۱۰۵
مدل سرمایه‌گذاری انسانی، هزینه و فایده.....	۱۰۶
مدل شبکه‌ای.....	۱۰۷

- ۱۰۸..... مدل رفتاری
- ۱۰۹..... نظریهٔ محرومیت نسبی
- ۱۱۱..... حاشیه‌نشینی و جرم.....
- ۱۱۱..... نظریهٔ دورکیم.....
- ۱۱۱..... مکتب محیط اجتماعی و فرهنگی.....
- ۱۱۲..... نظریهٔ ادوین ساترلند.....
- ۱۱۲..... نظریهٔ مرتن.....
- ۱۱۳..... تحقیقات مرکز جرم‌شناسی وکرسون پاریس.....
- ۱۱۳..... دیدگاه نیازهای اساسی.....
- ۱۱۵..... دیدگاه‌های ساختارگرا.....
- ۱۱۶..... دیدگاه لیبرالی.....
- ۱۲۱..... دیدگاه رادیکال.....
- ۱۲۵..... دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا.....
- ۱۳۰..... دیدگاه وابستگی.....
- ۱۳۸..... دیدگاه سیستمی.....
- نظریات و راهبردهای ارائه‌شده برای ساماندهی
- ۱۴۲..... سکونتگاه‌های حاشیه‌نشین و غیررسمی.....
- ۱۴۳..... دیدگاه تخریب و برخورد قهرآمیز.....
- ۱۴۴..... برنامه خانه‌سازی اجتماعی.....
- ۱۴۵..... دیدگاه تخریب و بازسازی.....
- ۱۴۵..... دیدگاه خنثی و منفعل.....
- ۱۴۶..... دیدگاه اصلاح‌طلب.....
- ۱۵۷..... ۳. ویژگی‌ها و پیامدهای حاشیه‌نشینی.....
- ویژگی‌های سکونتگاه‌های غیررسمی و حاشیه‌نشینی
- ۱۵۷..... شهری.....

زمینه‌ها، ابعاد و ویژگی‌های اقتصادی سکونتگاه‌های حاشیه‌نشین	۱۷۲
زمینه‌ها، ابعاد و ویژگی‌های فرهنگی سکونتگاه‌های حاشیه‌نشین	۱۷۶
زمینه‌ها، ابعاد و ویژگی‌های کالبدی و حقوقی سکونتگاه‌های حاشیه‌نشین	۱۸۰
انواع استقرار و مکان‌یابی	۱۸۲
انواع مالکیت‌ها و نحوه تملک	۱۸۳
ویژگی‌های مسکن	۱۸۴
بافت سکونتگاه‌ها و ساختار شبکه ارتباطی	۱۸۵
دسترسی به خدمات و امکانات روبنایی و زیربنایی	۱۸۵
علل و زمینه‌یابی پیدایش اسکان‌های حاشیه‌نشین	۱۸۶
عوامل ساختاری جامعه	۱۹۷
علل سازمانی	۱۹۸
فقدان سیستم‌های حمایتی و مشارکتی	۱۹۸
فعالیت‌های باندهای (مافیایی) نامشروع زمین	۱۹۹
مراحل شکل‌گیری حاشیه‌نشینی	۲۰۱
مرحله اول: شکل‌گیری اولیه	۲۰۲
مرحله دوم: تغییر شکل، دگرگونی و گذار سکونتگاه	۲۰۳
مرحله سوم: دوره پیوستگی، انسجام و ثبات نسبی	۲۰۴
پیامدهای حاشیه‌نشینی	۲۰۶
پیامدهای اجتماعی- فرهنگی حاشیه‌نشینی	۲۰۷
پیامدهای سیاسی- امنیتی حاشیه‌نشینی	۲۱۳
پیامدهای فضایی- کالبدی حاشیه‌نشینی	۲۲۰

۲۲۳	پیامدهای اقتصادی حاشیه‌نشینی.....
۲۲۹	فرهنگ حاشیه‌ای (عوامل و فرایندها).....
۲۳۹	۴. حاشیه‌نشینی در جهان و ایران.....
۲۳۹	حاشیه‌نشینی در جهان.....
۲۴۳	حاشیه‌نشینی و توسعه شهری.....
۲۵۷	گرایش‌های شهرنشینی و حاشیه‌نشینی.....
	بررسی راهبردهای جهانی ساماندهی محله‌های حاشیه‌نشین
۲۶۷	شهری.....
۲۷۸	حاشیه‌نشینی در ایران.....
۲۸۵	چشم‌اندازی به حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی در ایران... ..
۲۹۹	گرایش‌های شهرنشینی و حاشیه‌نشینی در ایران.....
	چگونگی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری سکونتگاه‌های حاشیه‌نشین
۳۰۲	در ایران.....
۳۱۳	زمینه‌های اساسی مهاجرت در ایران.....
۳۲۵	۵. حاشیه‌نشینی و پیامدهای آن در کلانشهر تهران.....
۳۲۵	مقدمه.....
۳۲۷	ضرورت توجه به کلانشهر تهران.....
	روند رشد و گسترش تهران و چگونگی شکل‌گیری نقاط غیررسمی
۳۳۱	توسط گروه‌های کم‌درآمد.....
۳۳۹	کلانشهر تهران و مسائل آن.....
۳۴۷	مروری بر حاشیه‌نشینی در تهران.....
۳۵۲	ویژگی‌های محله‌ای و فردی حاشیه‌نشینی در تهران.....
۳۶۰	بررسی ویژگی‌های مختلف حاشیه‌نشینان تهران.....
۳۶۱	حاشیه‌نشینی اجتماعی شهری تهران.....

- ۳۶۸ خرده‌فرهنگ‌ها و حاشیه‌نشینی
- ۳۷۰ پیامدهای حاشیه‌نشینی.
- نگاهی به طرح‌های مصوب قبلی تهران و توجه به اسکان
 ۳۷۳ غیررسمی
- ۳۷۴ ارزیابی اجمالی طرح جامع اول تهران (مصوب ۱۳۴۷).
- ارزیابی اجمالی طرح جامع دوم تهران (طرح ساماندهی،
 مصوب ۱۳۷۰) ۳۷۵
- ارزیابی اجمالی طرح مجموعه شهری تهران و شهرهای اطراف آن
 (مصوب ۱۳۸۱ شورای عالی شهرسازی و ۱۳۸۲ هیئت دولت). ۳۷۵
- طرح جامع جدید تهران (مصوب ۱۳۸۶) ۳۷۷
- جمعیت شهر در طرح جامع جدید ۳۷۹
- اسکان غیررسمی و چشم‌انداز توسعه در طرح جامع جدید ۳۷۹
- اسکان غیررسمی و اهداف طرح جامع جدید ۳۸۰
- اسکان غیررسمی و راهبردهای توسعه در طرح جامع جدید ۳۸۱
- محدوده شهر در طرح جامع تهران ۳۸۴
- تحولات جمعیتی تهران ۳۸۶
- جایگاه کلانشهر تهران در جمعیت کشور ۳۸۷
- نقش شهر تهران در اسکان جمعیت در منطقه شهری ۳۹۴
- نگاهی بر پیدایش فقر شهری در کلانشهر تهران ۳۹۵
- مهاجرت، جدایی‌گزینی اجتماعی و فقر شهری سکونتگاه‌های
 غیررسمی کلانشهر تهران ۴۰۰
- اسکان غیررسمی در مجموعه شهری تهران ۴۰۱
- راهکارهای حل مسائل حاشیه‌نشینی در کلانشهر تهران ۴۱۲
۶. راهبردها و سیاست‌های مواجهه و مداخله ۴۱۹

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری	۴۱۹
رهیافت‌های اصلاحی	۴۲۹
راهبردها و راهکارهای بهبود وضعیت سکونتگاه‌های حاشیه‌ای با	
تأکید بر قشرهای کم‌درآمد	۴۳۲
پیشنهاد‌های راهبردی	۴۳۵
منابع و مراجع	۴۴۳

کلیات

مقدمه

بروز ناهنجاری‌ها یا هنجارشکنی‌های اجتماعی هر جامعه‌ای علت‌هایی خاص و در واقع به پیش‌زمینه‌های موجود هر موقعیت جغرافیایی بستگی دارد. اما در یک نگاه کلی و از بالا، اگر جوامع بشری را به شکل هرمی در نظر بگیریم، در خواهیم یافت که بخش کوچکی از نوک هرم به طرف قاعده را کشورهای توسعه‌یافته و برخوردار متکی بر سیستم تکنوکراسی تشکیل می‌دهند که البته به لحاظ بروز ناهنجاری‌ها ممکن است مشکلات خاص خود را نیز داشته باشند. اما بقیه حجم این هرم تا سطح یک قاعده گسترده و فراخ را کشورهای توسعه‌نیافته یا عقب‌مانده و فقیر و بعضاً دارای منابع سرشار پنهان متکی بر سیستم‌های از بن سنتی اما فشرده شده در لعاب کاریزماتیک صنعت و تکنولوژی و هژمونی نرم‌افزارهای متداول تشکیل می‌دهند که نگاهی شیفته به غرب پیشرفته و تکنوکرات دارند؛ با موجی فزاینده و جهشی از جمعیت که ناشی از توزیع نامتعادل آن در جهان و نگاهی سنتی و گاه عقیدتی-بومی به این مسئله است.

می‌دانیم که بر حسب آمارهای موجود فراوانی جمعیت در جهان سوم «جنوب»، یا به بیان بهتر جهان عقب‌افتاده یا توسعه‌نیافته، بسیار بیش‌تر از کشورهای جهان اول «شمال» است. به نحوی که از هر ۴ نفر در جهان، ۳ نفر در کشورهای توسعه‌نیافته زندگی می‌کنند. برآوردهای آماری نشان می‌دهد که نزدیک به ۸۰ درصد جمعیت جهان در کشورهای توسعه‌نیافته جای گرفته‌اند. تا ۵۰ سال آینده از هر ۱۰۰ نفر فقط ۱۲ نفرشان در کشورهای پیشرفته زندگی خواهند کرد، زیرا چنان‌که خوزوئه دوکاسترو گفته است بستر تنها تفریح مردم فقیر است و حاصل آن نیز چیزی جز جهش انفجاری جمعیت نیست. با ادامه این روند، خروج از دایره فقر که امروزه شعاع عملش بیش‌تر می‌شود نامحتمل‌تر می‌شود. شاید یکی از دلایل عصبانیت‌ها، بی‌طاقتی‌ها، طغیان‌ها و انقلابات مسلکی و عقیدتی در مقابل اساس و اصول موجود اجتماعی و ظهور نهضت‌های فکری مختلف که بیش‌تر طرد قراردادهای اجتماعی را به همراه خود دارد؛ همچنین بسیاری از افسردگی‌ها، سرگستگی‌ها، آشفتگی‌ها و اضطراب‌های روانی و نگرانی نسبت به آینده‌ای مبهم و بالاخره از هم گسستگی انسجام و شیرازه زندگی‌ها از نتایج این عدم تناسب و تعادل توزیع جمعیت در جهان باشد. اما تراکم جمعیت از یک سو و توزیع نامتعادل و برنامه‌ریزی‌نشده منابع و درآمد ملی و راه‌حل‌های مقطعی و موردی و نوعاً عجولانه و غیرعملی و فاقد هارمونی در بخش‌های مختلف یک محدوده جغرافیایی، حاصلش کردن جمعیت مولد کم‌توقع روستایی از روستاها و حرکت شتابان و مضطرب آن‌ها به سوی شهرهاست که چون غالباً اقدامی از سر استیصال و ناگزیر از سوی مردمی است که نه مهارتشان را در شهر خریداری است و نه میدانی برای تجلی آن همه تجربه دارند. لاجرم حرکتشان پدیده‌ای را در کلانشهرها و شهرها رقم می‌زند که می‌توان از آن با عنوان «حاشیه‌نشینی» نام برد که یکی از نتایج این پدیده نامیمون بروز هنجارشکنی‌های اجتماعی و وقوع جرم است. حاشیه‌نشینی از پیامدهای

توسعه ناهمسو در نظام شهرنشینی است. بیش از ۵۰ درصد از جمعیت جهان در شهرها سکونت دارند، فضاهایی منطقه‌ای که بستری گسترده از ساختارهای خرد و کلان ارتباطی، تعارضات اجتماعی و خشونت‌های سازمان‌یافته را ترسیم می‌کند. بسیاری از مسائل اجتماعی-اقتصادی و سیاسی در کشورهای در حال توسعه ناشی از رشد و گسترش بدریخت نظام‌ها و فضاهای شهرنشینی بوده است (Homer-Dixon, 1995).

در روند توسعه شهرنشینی به‌ویژه بعد از انقلاب صنعتی و در قرن نوزدهم با دگرگونی ساختارهای اجتماعی-اقتصادی سنتی و توزیع نابرابر منابع و تسهیلات در فضای منطقه‌ای توسعه‌یافته مواجه بودیم که با توجه به وضع مناسبات نوین اجتماعی، ساختار از ریخت‌افتاده‌ای از توسعه را زمینه‌سازی کردیم. در این ساخت به نقل از چارلز آبرامز محدوده‌های فاقد یا تقلیل‌یافته‌ای از تسهیلات و خدمات شهری به وجود آمدند که متشکل از حاشیه‌نشینان بوده و این‌ها در چرخه شهرنشینی دروازه‌بانان اجتماعی^۱ نامیده شدند (زاهدی، ۱۳۸۰: ۲۵).

رشد سریع شهرنشینی و در نتیجه افزایش تصاعدی جمعیت شهری با مشکلاتی نظیر ازدیاد و گسترش مناطق زاغه‌ای و سکونتگاه‌های غیرقانونی و غیررسمی، با درصد بالای بی‌کاری، به وجود آمدن گروه‌های فقیر شهری و محرومیت از حداقل امکانات و خدمات شهری و در یک مفهوم کلی با فقر شهر همراه است. فقر شهری پدیده‌ای است که از عملکرد کلان ساختاری در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی ناشی می‌شود. قشرهای فقیر شهری برای تهیه خوراک و سرپناه برای خانواده خود به ناچار در سکونتگاه‌های غیررسمی و محروم شهر اسکان گزیده و معمولاً به مشاغل غیررسمی نیز مشغولند. به طور کلی تا زمانی که مناطق شهری مرکز انباشتگی مالی و

اقتصادی باشند، به جذب مهاجران از روستاها و مناطق شهری کوچک‌تر ادامه خواهند داد. بدین ترتیب زمین‌های اطراف شهرها بدون هیچ برنامه و کنترلی و به طور غیرمجاز توسط مهاجران تصرف می‌گردد.

منابع کم مالی و نداشتن مهارت‌های شغلی مهاجران از یک سو و ناتوانی دولت و نهادهای امور شهری در گسترش زیرساخت‌ها و ارائه خدمات و ایجاد اشتغال از سوی دیگر حاشیه‌نشینی را به سرعت و به صورتی بی‌قاعده گسترش داده است.

بیان موضوع

گفتمان حاشیه‌نشینی به‌ویژه از دهه ۱۹۵۰ با مهاجرت‌های شدید روستایی-شهری در کشورهای جهان سوم و با استفاده از واژه زاغه‌نشینی از مباحث داغ و مطرح جوامع علمی، دانشگاهی، تحقیقاتی و روشنفکری و متعهد کشورهای پیشرفته غربی و جهان سوم شد. در آن سال‌ها تحلیل غالب از پدیده حاشیه‌نشینی، آن را به عنوان تظاهر بی‌عدالتی‌های غیرقابل حذف موجود در نظام سرمایه‌داری جهانی معرفی می‌کرد. اندیشمندان بسیاری بر آن بودند که تا سرنوشتی نظام سرمایه‌داری، این پدیده در جهان باقی خواهد ماند.

همزمان با این تحلیل، تفکرات رهجویانه رفاه‌طلبان در راستای پذیرش نظام سرمایه‌داری، چاره‌اندیشی برای مهار حاشیه‌نشینی را که به عنوان یکی از مظاهر نابرابری‌های اجتماعی موجود در نظام‌های سرمایه‌داری، پیوسته مورد انتقاد قرار می‌گرفت، در چارچوب ارائه و ساخت مسکن برای تهیدستان شهری تحت عنوان مساکن اجتماعی و نیز استقرار نظام حداقل‌های معیشتی تثویزه و عملی کرد. دو راهکار ارائه شده برای کاهش نابرابری‌های اجتماعی در جوامع سرمایه‌داری پیشرفته به‌ویژه در کشورهای که نیروهای

طرفدار کار وزنه‌ای^۱ را تشکیل می‌دادند در جهت کاهش بی‌عدالتی‌ها عمل کرده و می‌کنند.

در کشورهای جهان سوم نیز با رشد بسیار سریع شهرنشینی از اوایل دهه ۱۹۵۰ تا این زمان، زاغه‌نشینی آشکارا ظهور کرد. به طوری که طی این مدت یک‌پنجم گاه یک‌چهارم و حتی یک‌سوم جمعیت برخی از شهرهای جهان سوم را حاشیه‌نشینان تشکیل داده‌اند. امروزه پس از سپری شدن بیش از ۵۰ سال از پیدایش گسترده حاشیه‌نشینی در کشورهای جهان سوم و پیگیری راهکارهای گوناگون برای حذف آن، جهان در محدوده کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته و جهان سوم تنها به نوعی «ساماندهی» و تا حدودی «مهار» حاشیه‌نشینی دست یافته است.

به طور کلی، در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰م حاشیه‌نشینی (به‌خصوص در جهان سوم) با زاغه‌نشینی، گودنشینی و کپرنشینی و زندگی در حلبی‌آبادها مترادف بود. امروزه، با تکامل جوامع انسانی، حاشیه‌نشینی پیچیدگی‌های خاص خود را یافته است که از سویی می‌توان تبلور فضایی آن را در اسکان‌های حاشیه‌ای و از سوی دیگر در اسکان‌های غیرمجاز مشاهده کرد. با گذر از جامعه صنعتی به فراصنعتی و جهانی شدن پدیده‌ها، نوع جدیدی از حاشیه‌نشینی پدید آمده است که نه‌تنها در قالب زاغه، کپر و گود بلکه در قالب‌های جدیدتر زندگی حاشیه‌ای یعنی اسکان‌های غیرمجاز و حاشیه‌ای نیز نمی‌گنجد. این گونه حاشیه‌نشینی در پهنه شهرها پراکنده است و به طور اساسی تبلور فضایی مشخصی ندارد، بلکه نوع جدید زیست حاشیه‌ای را تشکیل می‌دهد که با توجه به قرارگیری در شرایط حاشیه‌ای نظام تولید و بازتولید جامعه تعریف می‌شود. نظامی که از برخی انسان‌ها طردشدگان

۱. به طور کلی، کلیه نیروهای معروف به چپ از چپ افراطی تا چپ میانه و تا نیروهای مرکزی متمایل به چپ را در بر می‌گیرد.

اجتماعی می‌سازد، کسانی که به علل مختلف خانوادگی، تربیتی، آموزشی یا بر اثر بی‌کاری و حتی به‌رغم استفاده از انواع کمک‌های اجتماعی در برخی از کشورهای پیشرفته و دولت‌های رفاه تبدیل به حاشیه‌نشینان اجتماع و انسان‌های درجه دو می‌شوند. آنان «رانده‌شده‌های قافله توسعه» را تشکیل می‌دهند.

بنابراین، در آغاز هزاره سوم میلادی و پس از پنج دهه مقابله با حاشیه‌نشینی به روش‌های گوناگون و ساماندهی آن، گاه با نگرشی رفاه‌گرایانه و گاه به‌صورتی مستبدانه و بولدوزری و در برخی عرصه‌ها به شیوه‌ای بنیادی و اساسی مواجه بوده‌ایم. باید بپذیریم که حاشیه‌نشینی حذف نشده بلکه در حال تغییر چهره و ماهیت است.

در بعد کلان، حاشیه‌نشینی عبارت است از شکل‌گیری شیوه شهرنشینی ناپایداری که در سکونتگاه‌هایی درون یا مجاور شهرها با سیمایی ناخوشایند و خارج از فضاها رسمی و برنامه‌ریزی‌شده تجلی می‌یابد. سطح پایین شاخص‌های کمی و کیفی مربوط به حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و کالبدی این گونه سکونتگاه‌ها به‌ویژه در قیاس با شهر اصلی آشکار است و نیاز مبرمی به ارتقای شرایط محیطی به‌ویژه برای تأمین خدمات زیربنایی و اجتماعی آن‌ها وجود دارد. پاسخگویی به نیازهای برآمده از این سکونتگاه‌ها با روال گذشته مدیریت و برنامه‌ریزی شهری، ممکن نیست؛ چنان‌که شکاف بین نیازها و پاسخ‌ها به‌طور روزافزون زیادتر می‌شود. سکونتگاه‌های حاشیه‌ای تجلی فضایی نابرابری در توزیع امکانات و بی‌توجهی برنامه‌ریزان به ساکنان این اجتماعات است. لذا برای از بین بردن این پدیده باید قشرهای تهیدست جامعه را همواره مدنظر داشت (افتخاری راد، ۱۳۸۲: ۶۸).

با توجه به سیاست‌های کلان جهانی در باره تعدیل ساختاری و جهانی شدن اقتصاد، گسترش این گونه سکونتگاه‌ها بیش از هر زمانی متصور بوده و از این رو، در اسناد جدید جهانی، همچون بیانیه آینده شهرها در کنفرانس

سال ۲۰۰۰ برلین، نسبت به رشد فرایند «شهرنشینی غیررسمی» در قرن ۲۱ در کشورهای جنوب هشدار داده شده است.

آنچه در شکل نابهنجار حاشیه‌ها نسبت به بافت متداول شهر مشاهده می‌شود، تجلی فقدان برآورده شدن نیاز مسکن و سرپناه قشرهای کم‌درآمدی است که در فضای رسمی و برنامه‌ریزی شده شهر جایی ندارند و در فرار از محدودیت‌های قانونی خارج از توان خود، به برپایی سکونتگاه‌های نابسامان در حاشیه شهر می‌پردازند تا به فرصت‌های درآمدی و اشتغال شهری دسترسی داشته باشند.

ولی از آنجایی که این اجتماعات دارای پتانسیل‌های زیادی جهت توانمندسازی خودند (از جمله: حل بخشی از معضل مسکن، وجود نیروی جوان، نزدیکی روابط اجتماعی و...) با یک برنامه‌ریزی مشارکتی دقیق و حساب‌شده می‌توان این معضلات را حل کرد. ولی در صورتی که به این پدیده کم‌تر توجه شود و در مطالعات شهری، ساکنان این جوامع را نادیده بگیریم یا حتی، تنها آثار منفی این پدیده را ببینیم و توان‌های آن را فراموش کنیم، حرکت به سوی تباه شهری و مرده شهر را تسهیل بخشیده‌ایم.

مسئله مشخص در حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی از یک سو به تجمع فقر و آسیب‌های اجتماعی در آن‌ها و از سوی دیگر به محیط نابسامان کالبدی و نبود خدمات کافی مربوط است. اغلب به علت فقر، سرمایه‌گذاری و خدمات‌رسانی در این سکونتگاه‌ها به چشم نمی‌خورد و از ابتدا برای نیازهای محله‌ها پیش‌بینی‌های کالبدی در نظر گرفته نشده است. همچنین ساکنان آن‌ها فقیرند و به سختی قادر به بهبود شرایط اجتماعی-اقتصادی خود می‌باشند، زیرا در محیطی با خدمات کافی و رو به تزریق اقتصادی زندگی نمی‌کنند. بدین سان چرخه عمیقی از اجتماع فقیر و محیط فقیرنشین به وجود آمده که سیر نزولی مستمری دارد (صرافی، ۱۳۸۲: ۲۶۲-۲۶۳).

اسکان نابهنجار شیوه شهرنشینی ناپایدار و ناسالمی است که آسیب‌های

اجتماعی-اقتصادی و زیست‌محیطی در پی دارد و مقابله با آن و ساماندهی‌اش نیازمند صرف هزینه‌های سنگین اجتماعی حداقل در مقایسه با هزینه‌های پیشگیری و هدایت صحیح و زود هنگام است. توجه زود هنگام به این مسئله از دو جهت اهمیت دارد: از یک طرف وجود سکونتگاه‌هایی با ناهنجاری‌های اقتصادی-اجتماعی و کالبدی که نیاز مبرم به ارتقاء محیطی، تأمین خدمات اجتماعی و زیربنایی دارند و از سوی دیگر چشم‌انداز نگران‌کننده افزایش این گونه سکونتگاه‌ها در آینده که نیازمند تدابیر و اقدامات از پیش‌اندیشیده‌ای است. بنابراین مسئله حاشیه‌نشینی هم از نظر حقوقی و ارزش‌های انسانی و هم از نظر منافع اجتماعی و اقتصادی و توسعه ملی بسیار ضروری است.

پژوهش‌های پیشین

به موازات گسترش دامنه حاشیه‌نشینی در جهان، تحقیق و مطالعه برای کشف علل بروز این پدیده و ارائه راه‌حل برای جلوگیری از این روند و بهبود شرایط زندگی در زاغه‌های شهری نیز افزایش یافت. به‌ویژه از دهه ۱۹۶۰ میلادی به بعد مسئله حاشیه‌نشینی یکی از دغدغه‌های اصلی مسئولان امور شهری بوده است (لیندسی، ۱۳۸۱: ۲۳).

سابقه برخورد و بررسی وضعیت سکونتگاه‌های غیررسمی در جهان پیشینه‌ای طولانی دارد و به‌طور نسبی در اکثر پروژه‌ها سمت و سوی اقدامات فقرمحور و بحران‌محور بوده است. در همین زمینه سیاست‌های توسعه بانک جهانی در برخورد با مسکن نامتعارف به سه دوره مجزای ۱۹۷۲-۱۹۸۲ میلادی، دوره ۱۹۸۳-۱۹۹۳ میلادی و دوره ۱۹۹۳ میلادی به بعد قابل تفکیک و تمایز است. در دهه ۱۹۸۳ میلادی سیاست‌ها تا حدودی تغییر می‌کند و بانک جهانی سیاست تأثیرگذاری غیرمستقیم را در پروژه‌ها و سیاست‌های مسکن بر عهده می‌گیرد. در دوره بعد یعنی از

۱۹۸۳-۱۹۹۸ میلادی به دنبال تغییر شرایط جهانی و تغییرات اقتصادی موجود صورت گرفته در جهان با تبعیت از تئوری ارائه شده از سوی ترنر^۱ در پرو^۲ و مناطق دیگر جهان به سیاست مسکن کم درآمدها توجه شده و پس انداز و مسکن حداقل را در سرلوحه مطالعات و اقدامات خویش قرار می دهد. نمونه استفاده از رهیافت جدید را می توان در پروژه های توانمندسازی در شهرک های پارانای برزیل مشاهده کرد. این شهرک ها نمونه کامل از حمایت دولت در ایجاد مسکن اجتماعی جهت ساکنان به شمار می آیند. شرایط مورد تأیید بانک جهانی در پروژه های این دوره جهت ارائه تسهیلات، تضمین بازگشت سرمایه و ارائه و اجرای سیاست های پایدار مالی از سوی این کشورهاست. در سال ۱۹۹۳ میلادی بانک جهانی سیاست مسکن استراتژیک^۳ را به طور غیرمستقیم در راستای گسترش و تعمیم رهیافت ۱۹۸۳ میلادی در پیش می گیرد. در ایران نیز پس از سال های ۴۱ و ۴۲ شمسی اسکان غیررسمی و به تبع آن حاشیه نشینی پژوهشگران، جامعه شناسان و مسئولان درگیر با مسائل شهری را وادار به چاره اندیشی جهت حل معضل فوق می کند.

به همین منظور کتابها، مقاله ها، پایان نامه ها و پروژه های مطالعاتی متعددی در باره محله های حاشیه نشین در سطوح جهانی، کشوری، منطقه ای و شهری نوشته شده اند که در ادامه به برخی از آنها اشاره می شود. لازم به ذکر است افرادی همچون مجید احسن و مصطفی نیرومند (۱۳۵۱)، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، بخش جامعه شناسی دانشگاه تهران (۱۳۵۱)، محمدحسین کازرونی (۱۳۵۲)، حسین شکویی (۱۳۵۴)، فرخ حسامیان (۱۳۵۹)، کریم حسین زاده دلیر (۱۳۶۱)، علی اصغر مقدم (۱۳۶۵)،

1. Turner

2. Peru

۳. گونه ای از مسکن که در شرایط حاد و بحرانی یا موارد خاص جهت حل موارد بدمسکنی یا نبود مسکن مورد استفاده قرار می گیرد.

پرویز پیران (۱۳۶۷)، سید سعید زاهد زاهدانی (۱۳۶۹)، محمدعلی احمدیان (۱۳۷۱)، کمال اطهار و بهزاد خالقیان (۱۳۷۲)، مینو رفیعی (۱۳۷۲)، محمود هدایت (۱۳۷۳)، نصرالله پورافکاری (۱۳۷۳)، حمیده امکچی (۱۳۷۳)، ناصر مشهدی‌زاده دهاقانی (۱۳۷۵)، سهیلا بسکی (۱۳۷۵)، موسی کمانرودی (۱۳۷۶)، فیروز آقای (۱۳۷۸)، مهرداد جواهری‌پور (۱۳۷۹)، آصف بیات (۱۳۷۹)، علی‌اصغر زمانی (۱۳۷۹)، سعید خوب‌آیند (۱۳۷۹)، گیتی اعتماد (۱۳۸۰)، اسفندیار خراط زبردست (۱۳۸۰)، محمد شیخی (۱۳۸۰)، علی حاج‌یوسفی (۱۳۸۰)، سهراب مشهودی (۱۳۸۱)، و حسین حاتمی‌نژاد (۱۳۸۲)، تقریباً آثار اولیه‌ای در زمینه حاشیه‌نشینی در شهرهای مختلف کشور تهیه کرده‌اند.

افروغ معتقد است رابطه معیارهای اقتصادی-اجتماعی (درآمد، شغل، سواد، پایگاه اجتماعی) با انحرافات اجتماعی به صورت معکوس و منفی عمل می‌کند. وی با بررسی این معیارها و رفتارهای منحرفانه در سه منطقه پردرآمد، متوسط و کم‌درآمد شهر تهران، به اثبات نظر خود پرداخته است (افروغ، ۱۳۷۷: ۳۹۵).

صدیقی (۱۳۷۸) که به بررسی مشکلات شهرک‌ها و مجتمع‌های مسکونی جنوب تهران و تأثیر آن بر گرایش به رفتار ضداجتماعی پرداخته است، اذعان داشته که گرایش به رفتارهای ضداجتماعی از مسائلی است که توسعه اجتماعی و اقتصادی و شکل‌گیری جامعه‌ای باثبات و دور از تنش‌ها و انحرافات اجتماعی را غیرممکن و هرگونه برنامه‌ریزی و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی را با خطر روبرو می‌سازد.

بر اساس مطالعات کمیته بحران جمعیت (P.C.C) شاخص قتل و جنایت در شهرهای دارای سطح زندگی پایین، درست دو برابر شهرهای با سطح زندگی عالی است.

نصیری (۱۳۸۲)، آسیب‌های اجتماعی را با بررسی اعتیاد و رابطه آن بر مشاغل شهری مورد مطالعه قرار داده است. وی معتقد است مناطق و محلات شهری از نظر پراکنش جغرافیایی و آسیب‌های اجتماعی، چهره‌ای یکدست و هماهنگ از خود نشان نمی‌دهند به طوری که با افزایش مشاغل علمی-تخصصی در سطح محلات شهری بابل، از میزان اعتیاد کاسته و با افزایش مشاغل ابتدایی بر میزان آن افزوده می‌شود.

علوم‌ی یزدی (۱۳۸۲)، به مقایسه نگرش‌های نوجوانان بزهکار با نوجوانان سازگار در استان یزد پرداخته است. او به این نتیجه می‌رسد هر اندازه عوامل محیطی نامساعد و احساس ناکامی شدیدتر باشد احتمال انحراف و کجروی افزایش می‌یابد. در نتیجه، رفتار این افراد تابعی از شرایط خانوادگی و محیط اجتماعی زندگی آنان است.

صالحی میرزيجرانی (۱۳۸۴)، در مقاله‌ای تحت عنوان «آسیب‌شناسی شهرنشینی در ایران امروز» معتقد است که عوامل و زمینه‌های آسیب بیش‌تر ریشه در فقر دارد که خود ناشی از نابرابری اکولوژیکی، اقتصادی و فرهنگی و توزیع ناعادلانه ثروت در بین قشرهای مختلف است.

بنابراین مطالعه گرایش به رفتارهای ضداجتماعی و ریشه‌های آن با توجه به عواقبی که چنین گرایش‌هایی می‌تواند داشته باشد، از اهمیت زیادی برخوردار است، البته بروز چنین گرایش‌هایی تنها ناشی از حاشیه‌نشینی و فقر نبوده بلکه علل دیگری نیز ممکن است داشته باشد، ولی معمولاً انتظار می‌رود ساکنان مناطق محروم و فقیر در معرض فشارهایی قرار گیرند که باعث می‌گردد آن‌ها آمادگی بیش‌تری برای انجام چنین رفتارهایی داشته باشند.

پژوهش دیگر توسط احمدیان و رضوانی با عنوان «بررسی تجارب بازسازی مناطق زاغه‌نشین شهر تهران» انجام شده است. هدف این پژوهش شناخت و بررسی عملکرد شهرداری تهران و سایر نهادهای ذی‌ربط در

ارتباط با بازسازی مناطق زاغه‌نشین شهر تهران در جهت ارائه پیشنهادهایی جهت بهبود برنامه‌های در دست اجرای بازسازی این مناطق است و نتایج پژوهش به ترتیب عبارتند از:

۱. واقع شدن بیش‌ترین آلودگی‌های تهران در منطقه ۱۶ شهرداری؛
۲. قرار گرفتن آلودگی‌ها در حریم مسیل‌ها، دکل‌های فشار قوی برق و زمین‌های متروک و بایر؛
۳. وجود دو نوع آلودگی: منفرد و مجتمع در تهران؛

۴. وجود آلودگی‌های موقتی که محل اسکان کارگران ساختمانی است.

«علل مهاجرت‌های داخلی در تهران و حاشیه‌نشینی در تهران»، عنوان پژوهش دیگری است که هدایتی و منصوری در سال ۱۳۵۷ انجام داده‌اند. این پژوهش به بررسی مسیر مهاجرت‌های داخلی در ایران، شهر تهران و حاشیه‌نشینی در دنیا و تهران و سه منطقه حاشیه‌ای تهران می‌پردازد. هدف از این تحقیق، مشخص کردن بعضی از ویژگی‌های حاشیه‌نشینان است. پژوهش به روش کتابخانه‌ای و با مطالعه منابع موجود و استفاده از آمار و ارقام و نقشه‌های موجود انجام شده است. آن‌ها در پایان نتیجه می‌گیرند که ساکنان محله‌های حاشیه‌نشین عمدتاً از طبقات فقیر شهری تشکیل شده‌اند، درگیر مسائل مادی زندگی هستند و از بسیاری مواهب شهری و اقتصادی بی‌بهره‌اند. در سطح واحدهای حاشیه‌نشین و همچنین درون هر واحد به علت مدت اقامت حاشیه‌نشینی در شهر، نحوه معاش و وابستگی به سیستمی نامتجانس، تفاوت‌ها و تعارضاتی دیده می‌شود. گروهی از افراد این محله‌ها جذب مکانیسم اقتصادی منطقه شهری شده‌اند و گروهی نیز در حاشیه این گونه مکانیسم‌ها قرار گرفته‌اند.

علیرضا دهقان نیز پژوهشی تحت عنوان «بررسی وضعیت اجتماعی-اقتصادی آلودگی‌نشینان» در سال ۱۳۶۸ انجام داده است. این پژوهش به بررسی وضعیت اجتماعی-اقتصادی آلودگی‌نشینان منطقه ۱۰

شهرداری تهران می‌پردازد. اهداف پژوهش عبارتند از: بررسی مبدأ و منشأ آلونک‌نشینان محله مورد بحث، علل آلونک‌نشینی، اشتغال و درآمد آلونک‌نشینان، بررسی علل فقدان انگیزه پیشرفت و وضعیت انحرافات و کجروی، قدر و منزلت اجتماعی، نگرش نسبت به موضوع تخریب سازمان‌های دولتی، نگرش نسبت به ارگان‌های انتظامی و خدماتی، میزان رضایت از آلونک‌نشینی و وضعیت هجوم و توالی آن. روش بررسی پیمایش و جمع‌آوری اطلاعات از طریق مصاحبه همراه با پرسشنامه از ۱۰۵ خانوار ساکن در محله آلونکی خیابان زنجان جنوبی منطقه ۱۰ شهرداری بوده است. بر اساس نتایج، آلونک‌نشینان منشأ روستایی و منزلت اجتماعی کمی دارند. آن‌ها از آلونک‌ها نسبت به زندگی روستایی احساس رضایت بیشتری دارند، از انگیزه پیشرفت محدودی برخوردار هستند و تقدیرگرا هستند. همچنین بین آلونک‌نشینی با میزان درآمد، کجروی، سواد و انگیزه پیشرفت رابطه وجود دارد.

«بررسی حاشیه‌نشینی شهری» عنوان تحقیقی است که در سال ۱۳۵۱ توسط علی حاج‌یوسفی به انجام رسیده است. هدف این پژوهش دست یافتن به راه‌حلهایی در زمینه آلونک‌نشینی در کل کشور است. روش تحقیق مطالعه اسنادی و مصاحبه‌های پراکنده با حاشیه‌نشینان است. یافته‌ها نشان می‌دهد گروه‌های حاشیه‌نشین بنا به شرایط برای ساختن مسکن از مصالح مختلفی مانند خشت و گل، چوب و حلبی استفاده کرده‌اند و بیش‌تر کودکان بیمار و به سوءتغذیه مبتلا هستند. فقر فزاینده و فقدان امکانات آموزشی، سطح پایین سواد را به دنبال دارد. میانگین درآمد خانوارهای حاشیه‌نشین حدود ده برابر پایین‌تر از میزان متوسط درآمد مورد نیاز برای تأمین «حداقل رفاه» است. دزدی، خرید و فروش مواد مخدر، قمار، روسپی‌گری، جیب‌بری، قاچاقچی‌گری و حرفه‌های ساده ساختمانی، صنعتی و کارگری فعالیت‌های ساکنان هستند؛ بی‌قانونی عمومی نیز در این جوامع دیده می‌شود.

غلامرضا لطیفی نیز پژوهشی با عنوان «بررسی اجتماعی-اقتصادی حاشیه‌نشینی در شهر تهران در طی سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۷۲» انجام داده است. هدف این تحقیق عبارت است از: شناخت فاکتور انطباق و سازش ساکنان با محیط مسکونیشان. از فرضیه‌های این تحقیق رابطه‌ی شغل با حاشیه‌نشینی و رابطه‌ی مهاجرت با حاشیه‌نشینی است. وی نتیجه‌گیری می‌کند که حاشیه‌نشینی معلول شهرنشینی شتابان و رشد اقتصاد شهری در شهرهای بزرگ کشورهای جهان سوم است. تمرکز تصمیم‌گیری‌های اقتصادی در یکی دو شهر بزرگ کشور و فقدان یک برنامه‌ریزی اجرایی در سطح ملی و متعاقب آن در سطوح منطقه‌ای و شهری و بخشی، باعث سردرگمی و افزایش مشکلات شهرنشینی به‌خصوص در شهرهای بزرگ گردیده است و این در حالی است که این فرایند ادامه دارد. پدیده حاشیه‌نشینی در شهرهای بزرگ به‌ویژه در تهران از همه نقاط شهری دیگر کشور با اهمیت‌تر است. دلیل عمده آن تمرکز تصمیم‌گیری‌های اقتصادی است که گسترش جمعیت شهری، پیامدهای بی‌شماری نظیر فقر، مسائل بهداشتی، مسکن نابهنجار، حاشیه‌نشینی، زاغه‌نشینی و... را به دنبال دارد و این روند بعد از دهه ۵۰ به دلیل افزایش درآمدهای نفتی ادامه داشته است.

تحقیق دیگری با عنوان «بررسی آلونک‌نشینان ساکن در شهرک شوش» در سال ۱۳۷۰ توسط نرگس احمدیان صورت گرفته است. موضوع این پژوهش بررسی وضعیت آلونک‌نشینان شهرک شوش است که در خیابان دولت‌آباد، پشت مدرسه راهنمایی شهید عراقی مسکن گزیده‌اند. اهداف پژوهش عبارت است از: شناخت وضعیت اجتماعی-اقتصادی افراد ساکن در حاشیه‌ها و شناخت تمایلات این گونه افراد، نسبت به مبدأ و مقصد مهاجرت. روش بررسی پیمایشی و جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه به صورت مصاحبه حضوری با نمونه‌ای مشتمل بر اعضای ۸۵ خانوار بوده است. طبق این پژوهش اکثر این گونه افراد ساکن در آلونک‌ها جوانند. ۷۳

درصد افراد جامعه باسوادند. اکثر افراد نمونه قبل از مهاجرت کارگر بوده‌اند و در حال حاضر نیز به کارگری مشغولند، البته درآمد روزانه‌شان در شهر بیش‌تر است. بیش‌تر افراد منطقه متأهل هستند و تقریباً ۵ تا ۷ فرزند دارند. بیش‌تر افراد منطقه از آب لوله‌کشی و برق به صورت غیرمجاز استفاده می‌کنند و ۱ تا ۲ اتاق در اختیار دارند. افراد ساکن در منطقه اکثراً به علل اختلافات قومی، نداشتن مسکن مستقل مجبور به مهاجرت شده‌اند. در حال حاضر مشکل نهایی و اساسی خود را عدم بهداشت منطقه و کمبود مالی می‌دانند و همگی در صورت توزیع امکانات رفاهی، آموزشی، بهداشتی و پزشکی و... در روستاها و شهرستان‌ها حاضر به بازگشت هستند.

«رابطه مسائل اجتماعی و سبک معماری شهر تهران» عنوان پژوهشی است که توسط محمد صفایی‌پور انجام شده است. این تحقیق به بررسی مسائل اجتماعی شهر تهران با توجه به رابطه آن‌ها با سبک معماری و عوامل وجودی محلات فقیرنشین مثلاً کوی نهم آبان با استفاده از روش کتابخانه‌ای، پیمایشی و جمع‌آوری اطلاعات از کتب و اسناد و مدارک و مصاحبه با افراد صلاحیت‌دار، پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که تمرکز شدید سیاسی و اداری تهران، رشد سریع و غیرطبیعی این شهر را در طی چهار سال اخیر موجب گردیده است. در حال حاضر از نظر فرم منازل و تأسیسات شهری و ساختمان‌های دولتی آشفتگی و هرج و مرج شدید در این شهر به چشم می‌خورد. در تهران پارک‌هایی وجود دارد که با مناطق مسکونی فاصله زیادی دارند. تحمیل زندگی آپارتمانی به مردم از معضلات دیگری است که در این شهر وجود دارد. کوی‌ها و محلات جدید که برای حل مشکل مسکن به وجود آمده‌اند مورد استقبال چندانی قرار نگرفته‌اند. مهاجرت در این شهر روندی صعودی داشته که توأمان نتایج مثبت و منفی در پی دارد؛ به عنوان نمونه، اجرای طرح کوی نهم آبان که برای حاشیه‌نشینان ساخته شده به دلیل عدم برنامه‌ریزی و انتخاب مکان مناسب، تغییرات شغلی و درآمدی و ترک

محل ساکنان آن، کمبود تأسیسات بهداشتی، پزشکی، خدماتی و آموزشی و یکنواختی واحدهای مسکونی، با عدم موفقیت روبرو گشت.

سلیمان رضایی نیز در سال ۱۳۷۴ پژوهشی به نام «تحولات شهر و شهرنشینی در کرمانشاه با تأکید بر حاشیه‌نشینی» انجام داده است. در این پژوهش تحولات شهر و شهرنشینی کرمانشاه در سه دهه اخیر در راستای شناخت پدیده حاشیه‌نشینی مورد مطالعه قرار گرفته است. حاشیه‌نشینی به عنوان یک معضل اقتصادی، اجتماعی و کالبدی شهر کرمانشاه مربوط به سال‌های ۱۳۵۰ و پس از آن است. به علت شرایط اقلیمی و دیگر عوامل طبیعی، زاغه‌نشینی یا کپرنشینی در کرمانشاه به‌ندرت دیده می‌شود و این معضل در این شهر به صورت شهرک‌نشینی غیرمجاز و سکونت در واحدهای مسکونی ناهنجار نمود پیدا کرده است. در شهرک دولت‌آباد بیش از ۳۷ درصد واحدهای مسکونی بسیار کوچک بوده و هیچ‌گونه مجوز ساختمانی ندارند و از نظر شهرداری غیرقانونی هستند. نتیجه‌گیری وی به این صورت است که تمرکز شدید امکانات خدماتی، زیربنایی و صنعتی در شهر کرمانشاه، گسترش فقر و بی‌کاری در محیط‌های روستایی، وقوع جنگ تحمیلی، مهاجرت گسترده به شهر کرمانشاه به‌ویژه از سال ۱۳۵۰ به بعد، هر یک نقاط عطفی در ایجاد و گسترش پدیده حاشیه‌نشینی این ناحیه از کشور محسوب می‌شوند.

پژوهشی نیز با عنوان «حاشیه‌نشینی در شهرها و آثار و پیامدهای آن» توسط کمال اطهاری و بهزاد خالقیان صورت گرفته است که نتایج این پژوهش نشان می‌دهد برنامه‌ریزی شهری در کشور نواقص و کاستی‌هایی دارد که عدم توجه به آن، رشد و تکوین ساخت و سازهای بدون برنامه را در خارج از محدوده شهرها در پی داشته است و تا زمانی که طرح‌های شهری - اعم از طرح‌های جامع و هادی، آماده‌سازی یا شهر جدید - نتواند کلیه قشرهای اجتماعی جامعه شهری را پوشش دهد، این قشرها به طور طبیعی و در

فرایندی کم و بیش خودبخودی، برنامه‌ریزی سکونت‌ی مطابق با توان خود را در پشت دیوارهای قانونی شهرها پی‌ریزی خواهند کرد و این آغاز حاشیه‌نشینی است.

پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «بررسی مشکلات شهرک‌ها و مجتمع‌های مسکونی جنوب تهران و تأثیر آن بر گرایش به رفتار ضداجتماعی» در سال ۱۳۷۷ توسط حمید صدیقی به راهنمایی محمدصادق مهدوی انجام شده است. هدف اصلی این تحقیق بررسی تأثیر حاشیه‌نشینی و مشکلات آن در پیدایش و شیوع گرایش به رفتار ضداجتماعی در میان ساکنان این مناطق است. در این مطالعه اولین موضوع مورد بررسی را ارائه تعریفی از حاشیه‌نشینی در شهر تهران و خصوصیات و ویژگی‌های آن و همچنین مشکلاتی که این شکل از زندگی برای ساکنان چنین مناطقی به همراه آورده است تشکیل می‌دهد. بررسی پیامدهای اجتماعی و روانی، خصوصاً گرایش به رفتار ضداجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین و میزان تأثیری که مشکلات این نوع از زندگی در بروز چنین گرایشی دارد هدف دیگری است که در این تحقیق دنبال می‌شود. وی در این تحقیق معتقد است که افزایش جمعیت، گسترش شهرنشینی و فقدان زیرساخت‌های مناسب اقتصادی در کشورهای جهان سوم، مناطق فقیرنشینی را در داخل و اطراف شهرها به وجود آورده است که جمعیت قابل توجهی در آن‌ها ساکن هستند و در طول زمان نیز بر تعداد آن‌ها افزوده می‌شود. مشکلات و محرومیت‌هایی که در این مناطق وجود دارد عدهٔ کثیری را تحت تأثیر قرار داده و با توجه به تعداد این افراد، پیامدهای آن وسعت زیادی دارد و نظم اجتماعی را در کل جامعه متأثر می‌سازد. گسترش این پیامدها یکی از دلایل ضرورت پیش‌بینی، ریشه‌یابی و کنترل آن‌هاست. محدودیت‌ها و کمبودهایی که این مناطق با آن‌ها روبرو هستند بخشی از جامعهٔ انسانی را تحت تأثیر قرار داده و انسان‌هایی را متأثر می‌سازد که عدم توجه به سرنوشت آن‌ها نه تنها مشکلاتی را برای کل جامعه

به همراه دارد، بلکه یک موضوع غیراخلاقی نیز هست. در واقع اخلاق اسلامی و انسانی مطالعه‌ی پیامدها و توجه به سرنوشت انسان‌ها را ضروری می‌سازد تا از این طریق بتوان مسائل و پیامدها را برطرف کرده و به سمت جامعه‌ای سالم و به دور از تنش‌ها و بی‌نظمی‌ها حرکت کرد. در ضمن گرایش به رفتارهای ضداجتماعی از مسائلی است که توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی و شکل‌گیری جامعه‌ای باثبات و دور از تنش‌ها و انحرافات اجتماعی را غیرممکن می‌سازد و هرگونه برنامه‌ریزی و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی را با خطر روبرو می‌سازد. بنابراین مطالعه‌ی گرایش به رفتارهای ضداجتماعی و ریشه‌های آن با توجه به عواقبی که چنین گرایش‌هایی می‌تواند به همراه داشته باشد اهمیت زیادی دارد. البته بروز چنین گرایش‌هایی تنها ناشی از حاشیه‌نشینی و فقر نبوده بلکه علل دیگری نیز ممکن است داشته باشد، ولی معمولاً انتظار می‌رود ساکنان مناطق محروم و فقیر در معرض فشارهایی قرار گیرند که باعث می‌گردد آن‌ها آمادگی بیش‌تری برای انجام چنین رفتارهایی داشته باشند. او در پایان نتیجه می‌گیرد که بین حاشیه‌نشینی و گرایش به رفتارهای ضداجتماعی رابطه نزدیکی وجود دارد.

«بررسی علل رشد حاشیه‌نشینی و زاغه‌نشینی در شهرستان مشهد» نیز عنوان پایان‌نامه‌ای است که توسط سعید سروری در سال ۱۳۷۶ انجام شده است. در این پژوهش به این نکته اشاره شده است که زاغه‌نشینی و حاشیه‌نشینی یکی از معضلات اقتصادی و اجتماعی است که مانند قارچ به صورت خودرو سبز شده و از هر نقطه‌ای سر بر می‌آورد. این تحقیق نشان می‌دهد که رشد جمعیت، مهاجرت، فقدان فرصت‌های مناسب اشتغال و عدم بهره‌گیری مناسب از ظرفیت‌ها و استعدادها از عوامل مؤثر بر حاشیه‌نشینی است.

علی اصغر اکبریان اقدم در سال ۱۳۶۵ پایان‌نامه‌ای با عنوان «حاشیه‌نشینی در تبریز، بررسی تطبیقی مهاجران روستائین و کوچ‌نشین در حاشیه تبریز» انجام داده است. این بررسی ضمن ارائه‌ی اطلاعات کلی در مورد جامعه